

## مناقشه و شورش در خاورمیانه کنونی

Barry Rubin, *Conflict and Insurgency in the Contemporary Middle East*, New York: Routledge, 2009, 289 pp.

خشونت سیاسی و بی‌ثباتی در خاورمیانه نه‌تنها یک رویداد دائمی مطرح و برجسته روزانه بلکه مهمترین مبحث سیاسی در جهان معاصر می‌باشد. خشونت به اشکال گوناگون صورت می‌پذیرد. خشونت طیفی از تروریسم تا جنگ مسلحانه را در بر می‌گیرد. همچنین، تخصص و مقابله نیروهای منظم نظامی بین دو کشور نیز نمودی دیگر از خشونت است. مهمترین دلیل خشونت فقدان توافق در مورد نظم منطقه‌ای، مرزها، نوع حکومت و جامعه می‌باشد. در واقع، خشونت جهت چالش با این ترتیبات بروز نموده و به کار می‌رود. خشونت حاصل نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های گوناگون می‌باشد که آن روندها را مجاز دانسته و روا می‌شمارد. کتاب «مناقشه و شورش در خاورمیانه کنونی» بحران‌ها، منازعات اصلی و شورش‌های روی داده در خاورمیانه کنونی طی دهه‌های اخیر را مطالعه می‌نماید. این کتاب بیشتر رویدادهای مهم در دهه‌های بعد از ۱۹۸۰ را واکاوی کرده و رهیافت‌های تاریخی در مورد آنها ارائه می‌دهد. علاوه بر آن، نوشته حاکی از موارد مطالعاتی جداگانه نیز می‌باشد. کتاب موردنظر عملکردهای گوناگون را برعهده دارد: اول، تجزیه و تحلیل‌های گوناگون از مناقشات نظامی و خشن در منطقه طی ربع قرن اخیر را یکجا ارائه می‌دهد و در دسترس می‌گذارد. دوم، این کتاب دلایل استراتژیک و نظامی بروز این مناقشات را ذکر می‌کند. سوم، مباحث این کتاب موفقیت‌ها و شکست‌ها را بیان می‌نماید. چهارم، یک منظر و شمایی مقایسه‌ای از مناقشات و منازعات در خاورمیانه مطرح می‌کند.

فصول یک و دو کتاب نقش نظامی- سیاسی و نقش کاراکتری ارتش‌های دول عربی را مطالعه می‌نماید. روشن است نیروهای نظامی مهمترین و اصلی‌ترین نهاد دولتی در کشورهای عربی می‌باشند که تمامی کشورهای عرب براساس آنها استوارند. این امر به صورت آشفتگی‌های دوران زمانی ۱۹۷۱-۱۹۴۹ بروز نمود.

در واقع، در دو فصل اول کتاب «مناقشه و شورش در خاورمیانه کنونی» ما شاهد تم اصلی استراتژی نظامی در خاورمیانه مدرن هستیم: نیروهای نظامی در کشورهای عرب‌زبان و ایران آراسته شده‌اند نه به خاطر پیروزی در جنگ بلکه به لحاظ تضمین عدم تهدید یکدیگر و محافظت از خود. در دو فصل اول کتاب این امر اهمیت فوق‌العاده و بسیار دارد.

در اینجا برای آشنایی بیشتر محققان عناوین سیزده فصل کتاب «مناقشه و شورش در خاورمیانه کنونی» ذکر می‌گردد:

۱. ارتش‌های کشورهای خاورمیانه چه نقشی دارند؟ (باری رابین)
۲. عرب به‌عنوان یاغی یا ضد شورش‌گر (نورول دیتکین)
۳. جنگ ایران - عراق جنگی بدون دلیل (جوانا دوداس)
۴. درس‌هایی از شورش جهادی در عربستان سعودی (حسن منعیمه)
۵. جنگ داخلی مصر (باری رابین)
۶. تروریسم به‌عنوان یک عامل نظامی: روند صلح فلسطین - اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۳ (بواز گانور)
۷. لبنان ۲۰۰۶: جنگ ناتمام (جاناناتان اسپایر)
۸. جنگ‌های چریکی لبنان (تونی بدران)
۹. جنگ شوروی - افغان: ابرقدرت درگیر و گرفتار در کوه‌ها (لستر گرا)
۱۰. جنگ مراکش - پولیساریو در مورد صحرای غربی، ۱۹۹۱-۱۹۷۵ (جاکوب موندی)
۱۱. اسلام‌گرایی و شورش در الجزایر پس از استقلال (یحیی زبیر)
۱۲. شورش در عراق (ویلیام مک کالیستر)
۱۳. قیام، آشوب و جنگ: ارتش آمریکا و شورش عراق (جیمز راسل)

به لحاظ آگاهی از دیدگاه یکی از محققان جنگ ایران-عراق بخشی از نوشته وی تحت عنوان «جنگ ایران-عراق جنگی بدون دلیل»<sup>۱</sup> در کتاب «مناقشه و شورش در خاورمیانه کنونی» نقل می‌گردد:

«جنگ ایران-عراق در نوع خود منحصر به فرد بود: بسیار طولانی‌تر و بسیار شدیدتر از هر مناقشه دیگری در منطقه در گذشته. یک اختلاف مرزی به یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم منجر شد.

سه عامل دلایل طولانی‌بودن این جنگ هستند: تأثیرات ژئوپلتیک، عدم تفوق نظامی، اغراض و انگیزه‌های ایدئولوژیک. عراق نیروی نظامی مدرن را وارد میدان نمود ولی غیرقابل انعطاف بودن آن، دکترین آن، رهبری غلط و عملیات جنگی غیرمؤثر برای نیل به نتایجی که صدام حسین از تجاوز خود انتظار داشت با شکست مواجه شد. نیروی نظامی ایران، باوجود حجیم‌بودن آن، از پاک‌سازی‌ها و تصفیه‌های سیاسی، کمبودها، فقدان آمادگی در هنگام آغاز جنگ رنج می‌برد.

بنابراین، انعطاف ایران، تاکتیک‌های نامتقارن و ایدئولوژی مذهبی انگیزه پیروزی بر برتری ارتش عراق را فراهم آورد. ارتش‌های ایران-عراق که رویاروی یکدیگر بودند به یک میزان به باورهای خود پایبند بودند. به‌علاوه، اعضای جامعه بین‌المللی از جنگ به طریقی حمایت نمودند که در واقع مات‌شدن نظامی در مناقشه را تقویت می‌کرد.

نیروهای نظامی دو طرف (ایران و عراق) به‌نوعی برابری استراتژیک رسیدند که مانع یک رسوخ مظفرانه قطعی طی تهاجم عراق به ایران در سال ۱۹۸۰ و تهاجم ایران به عراق در سال ۱۹۸۲ می‌گشت. فقدان یک پیشرفت غیرمنتظره بزرگ از جانب یکی از طرف‌های جنگ باعث شد دو کشور در وضعیت مات و مبهوت تا سال ۱۹۸۰ قفل‌شده باقی بمانند».

همچنین در صفحه ۶۶ کتاب «مناقشه و شورش در خاورمیانه کنونی» نتیجه‌گیری مربوط به جنگ ایران-عراق آمده است:

«جنگ ایران-عراق پس از هشت سال با بیش از یک میلیون تلفات انسانی از هر دو طرف پایان یافت. در ارتباط با آثار سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک و عوامل

1. The Iran – Iraq War: Will without Means

ژئوپلتیک، جنگ ایران-عراق یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم بود. تهاجم ابتدایی عراق از جهت نظامی اشتباه بود و منجر به شکست شد. پس از آن، در مقابل، آیت‌اله خمینی (ره) با یک برنامه در مقابل تهاجم نظامی تصمیم به دفاع گرفت. با تغییرات کمی در تاکتیک‌ها و اصلاح طراحی عملیاتی در سال‌های جنگ، نیروهای نظامی ایران سعی نمودند به تدریج نقصان‌ها و ضعف‌ها را جبران نموده از اشتباهات فاحش پرهیز نمایند. روحیه انقلابی تنها می‌توانست موجب تقویت و اتکای مردم ایران باشد اما مسائل و مشکلات اقتصادی مسئولان ایران را با واقعیت‌های جدی مواجه نمود.